

۲۰۳۹۷۱

"اعاده دادرسي خاص در دعاوي حقوقي"

مؤلف

پوران هاشمی نیک

www.ketab.ir



سرشناسه	: هاشمی نیک، پوران، ۱۳۶۴
عنوان قراردادی	: ایران. قوانین و احکام etc, Laws, Iran
عنوان و نام پدیدآور	: اعاده دادرسی خاص در دعاوی حقوقی/مؤلف پوران هاشمی نیک.
مشخصات نشر	: تهران: سنجش و دانش، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۱۲۸ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۰۵-۲۳۷۹-۶
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: اعاده دادرسی -- ایران
موضوع	: Iran -- Restitution
موضوع	: آیین دادرسی در دادگاه -- ایران
موضوع	: Iran -- Criminal Court
موضوع	: آیین دادرسی جزایی -- ایران
موضوع	: Iran -- procedure Criminal
رده بندی کنگره	: ۷/۸۵۴KMH
رده بندی دیویی	: ۵۵۰۲۹/۳۴۶
شماره کتابشناسی ملی	: ۷۶۳۰۶۶۰
وضعیت رکورد	: فیبا

عنوان: اعاده دادرسی خاص در دعاوی حقوقی	 www.sanjesh.ir sanjeshodanesh@iran.ir
مؤلف: پوران هاشمی نیک	
ناشر: سنجش و دانش	
نوبت چاپ: چاپ اول - ۱۴۰۰	
تیراژ: ۳۰ نسخه	
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۵-۲۳۷۹-۶	
نشانی: میدان انقلاب. خیابان انقلاب. خیابان دانشگاه. بلاک ۱۲۶. تلفن: ۰۲۱۶۱۲۶	قیمت: ۲۵۰۰۰۰ ریال
«کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر محفوظ می باشد»»	

فهرست مطالب

۱.....	مقدمه
۴.....	پیشینه پژوهش
۷.....	فصل اول
۷.....	کلیات
۸.....	مبحث اول - مفاهیم
۸.....	گفتار اول - مفهوم دعوی حقوقی
۱۰.....	گفتار دوم - مفهوم اعاده دادرسی
۱۶.....	گفتار سوم - جهات اعاده دادرسی در نظام حقوقی ایران
۲۶.....	مبحث دوم - تبیین مفهوم خلاف بین شرع بودن حکم
۲۶.....	گفتار اول - مفهوم حکم
۳۶.....	گفتار دوم - مفهوم شرع
۴۲.....	گفتار سوم - مسلمات فقه
۴۵.....	فصل دوم - رویکرد نظام حقوقی ایران به آراء حقوقی خلاف شرع بر اساس قانون آیین دادرسی کیفری
۴۵.....	مبحث اول - تجویز اعاده دادرسی بطور خاص
۴۶.....	گفتار اول - اعاده دادرسی ماده ۲۷۲ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸
۴۹.....	گفتار دوم - ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب ۱۳۸۱
۵۳.....	گفتار سوم - ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب اصلاحی ۱۳۸۵
۵۶.....	مبحث دوم - شاخصه های ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری
۵۶.....	گفتار اول - تبیین دایره شمول آرا
۸۳.....	گفتار دوم - تبیین آثار اعاده دادرسی (تجویز رسیدگی)
۸۹.....	گفتار سوم - تعیین مرجع صالح رسیدگی به اعاده دادرسی (دیوان عالی کشور)
۹۰.....	گفتار چهارم - مهلت زمانی
۹۳.....	گفتار پنجم - مراجع درخواست اعاده دادرسی

مقدمه

امروزه اکثر نظامهای حقوقی دنیا پذیرفته اند که باید دعوی اقامه شده در مرحله ای خاتمه پیدا کرده و تکلیف افکار عمومی و اشخاص مرتبط روشن گردد. از طرف دیگر نمی توان به آسانی از کنار عدالت گذر نمود و به صورت قطعی بررسی مجدد آراء در محاکم را منع کرد. به یقین در بعضی موارد، بررسی مجدد، اطمینان از اجرای عدالت را به همراه داشته است و این برای جامعه بسیار مهم می باشد. پس به این نتیجه رسیده اند که هر دو هدف فوق را باید تلفیق نمود و از این دریچه به قضایای حقوقی نگریست.^۱

قانونگذار در مقام چاره جویی نسبت به اشتباهات قضایی و احکام مخالف اصول یا قوانین، راهکارهایی را پیش بینی نموده است تا اشخاص بتوانند به آراء مذکور اعتراض نمایند. اعاده دادرسی یکی از طریق فوق العاده شکایت از احکام و یک طریقه عدولی است که به وسیله آن ذینفع در دعوا از دادگاه بدوی یا تجدیدنظر تقاضای نقض حکمی را که به اشتباه صادر شده است می نماید. در حقوق ایران باستان نیز از دوران ساسانیان اسنادی در دست است که طرز اعاده دادرسی آن دوره را کاملاً روشن می نماید. اما در فقه سابقه ای از اعاده دادرسی به شکل امروزی وجود ندارد. در قانون اصول محاکمات تحت عنوان اعاده محاکمه پیش بینی شده بود. اعاده دادرسی با دیگر طرق شکایت از احکام نیز تشابهات و تفاوتهایی دارد و صرفاً احکام قابل اعاده دادرسی هستند و آن هم احکام قطعی نه قرارها. احکام شورای حل اختلاف قابلیت اعاده دادرسی ندارد. ابرام حکم در دیوان عالی کشور نیز مانع از اعاده دادرسی نخواهد بود.^۲

قانونگذار ایران، تعریف دقیق جامعی از اعاده دادرسی ارائه نداده و صرفاً به بیان اصول، قواعد و شرایطی که جهت تمسک به این شیوه و نهاد لازم می باشد، بسنده نموده است. البته این نقیصه قانونگذاری را نویسندگان حقوقی تا حد زیادی برطرف نموده اند.

جهات اعاده دادرسی در حقوق ایران در ماده ۴۲۶ ق.آ.د.م. بیان شده اند. بخش قابل توجهی از جهات، شامل حیل و تقلب، جعلی بودن سند مبنای حکم و دستیابی به سند مکتوم در دادرسی،

^۱ عباسی، جواد. اعاده دادرسی در امور حقوقی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی - دانشکده حقوق، بی تا، ص ۲

^۲ مبینی، مهرداد، اعاده دادرسی در امور مدنی، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه قم ۱۳۸۸، چکیده

بین حقوق ایران و فرانسه مشترک است؛ اما صرفاً در حقوق ایران به موجب بندهای ۱ تا ۴ ماده ۴۲۶ ق.آ.د.م. و ماده ۲۲۷ آن قانون، صدور حکم به غیر از موضوع دعوا یا به بیش تر از آن، تضاد در مفاد حکم، احکام متضاد و اثبات اصالت سند از جهات اعاده دادرسی شناخته شده اند.^۳

از سویی دیگر علاوه بر آیین دادرسی مدنی، ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد «در صورتی که رئیس قوه قضائیه رأی قطعی صادره از هریک از مراجع قضائی را خلاف شرع بین تشخیص دهد، با تجویز اعاده دادرسی، پرونده را به دیوان عالی کشور ارسال تا در شعب خاص که توسط رئیس قوه قضائیه برای این امر تخصیص می‌یابد رسیدگی و رأی قطعی صادر نماید. شعب خاص مذکور مبنیاً بر خلاف شرع بین اعلام شده، رأی قطعی قبلی را نقض و رسیدگی مجدد اعم از شکلی و ماهوی به عمل می‌آورند و رأی مقتضی صادر می‌نمایند.»

ماده ۴۷۷ قانون جدید آیین دادرسی کیفری در حالی شیوه جدیدی را برای تجدیدنظر در آرای «خلاف بین شرع» پیش‌بینی کرده است که هنوز ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب نسخ نشده و راه برای اعاده دادرسی از احکام حقوقی و کیفری از طریق اعمال این ماده باز است. ماده ۱۸ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب که در سال ۸۱ به تصویب رسید، «آرای غیر قطعی و قابل تجدیدنظر یا فرجام همان می‌باشد که در قوانین آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری و مدنی ذکر گردیده است. در مورد آرای قابل تجدیدنظر یا فرجام، تجدید نظر و فرجام‌خواهی بر طبق مقررات آیین دادرسی مربوط انجام می‌شود. اما در مورد آرای قطعی، جز از طریق اعاده دادرسی و اعتراض ثالث به نحوی که در قوانین مربوط مقرر است نمی‌توان رسیدگی مجدد کرد، مگر اینکه رأی، خلاف بین قانون یا شرع باشد که در آن صورت به درخواست محکوم علیه چه در امور مدنی و چه در امور کیفری و یا دادستان مربوطه (در امور کیفری) ممکن است مورد تجدید نظر واقع شود.» بر اساس این ماده، اگر تا آن روز احکام قطعی دادگاه‌ها تا حد زیادی از تعرض مصون بود و جز در موارد استثنایی مانند آنچه که در ماده ۲ قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه مصرح شده بود، امکان اعاده

^۳ حسن زاده مهدی، ۱۳۹۰، مطالعه تطبیقی جهات اعاده دادرسی در حقوق ایران و فرانسه، پژوهش‌های حقوق تطبیقی شماره ۵، ص ۱

دادرسی نداشت، بر اساس این ماده، هر محکوم‌علیه می‌توانست با ادعای خلاف قانون یا خلاف بین شرع بودن حکم صادره، خواستار رسیدگی مجدد به پرونده شود.

برابر ماده‌ی ۴۳۲ ق.آ.د.م مرجع صلاحیت‌دار در رسیدگی به درخواست اعاده دادرسی دادگاهی است که حکم قطعی را صادر نموده است. بنابراین اگر دادگاه بدوی حکم قطعی را صادر نموده باشد، همان دادگاه مرجع صالح برای رسیدگی به درخواست اعاده دادرسی است و در صورت قبول این درخواست به استناد تبصره‌ی ذیل ماده‌ی ۴۳۵ ق.آ.د.م رسیدگی ماهوی نموده و حکم مقتضی را صادر می‌نماید. حکم صادره توسط این دادگاه نیز طبق مقررات قابل تجدیدنظرخواهی است. در صورتی که دادگاه تجدیدنظر حکم قطعی را صادر نموده باشد، این دادگاه مرجع صالح برای اعاده دادرسی خواهد بود و در صورت قبول درخواست اعاده دادرسی و انجام رسیدگی‌های لازم مبادرت به صدور رأی می‌نماید که این رأی قطعی خواهد بود.^۴ البته در صورتی که جهت درخواست اعاده دادرسی مغایرت دو حکم صادره از دادگاه واحد باشد، درخواست اعاده دادرسی به شعبه دادگاه صادرکننده حکم دوم تقدیم می‌شود.^۵

این در حالی است که به موجب قانون جدید آیین دادرسی کیفری، با ادعای خلاف بین شرع، مرجع رسیدگی دیوان عالی کشور است. منظور از خلاف بین شرع، مغایرت رأی صادره با مسلمات فقه است و در موارد اختلاف نظر بین فقها، ملاک عمل نظر ولی فقیه یا مشهور فقها خواهد بود.^۶

در پژوهش پیشنهادی در نظر داریم؛ ضمن تبیین روند اعاده دادرسی حقوقی در دیوان عالی کشور، صلاحیتهای دیوان عالی کشور در رسیدگی به اعاده دادرسی به جهت خلاف بین شرع بودن حکم و همچنین اختیارات رئیس قوه قضاییه در اعتراض به این احکام را مورد تحلیل و بررسی قرار دهیم.

^۴ مهاجری، علی؛ ۱۳۸۷، مسوط در آیین دادرسی مدنی، تهران، انتشارات فکرسازان، جلد چهارم، ص ۸۱

^۵ شمس، عبدالله؛ ۱۳۸۵، آیین دادرسی مدنی، تهران، انتشارات دراک، چاپ دوازدهم، جلد دوم، ص ۴۸۶

^۶ واحدی، قدرت‌الله؛ ۱۳۸۶، آیین دادرسی مدنی جلد دوم، تهران، میزان، ص ۲۵۵